

از لابلای یادداشت‌ها و نیشتهای روزمره ام

"پویایی مثبت" در نحوه عملکردها و چگونگی سیاستگذاری‌ها در کشور ویژگی خودداری امریکایی‌ها از تداوم فعالیت‌های مسلحانه در سرزمین ما عوامل بازدارنده فراخواندن نظامیان امریکایی از افغانستان

مذاکرات آزمایشی صلح، نبرد برای بقا و یا ندای ابدی بمنظور تداوم مناقشه و جنگ؟
درگیری‌های نامتقارن بمتابۀ رایج‌ترین انواع رویارویی‌های مسلحانه
نواختن موسیقی خروج، آنهم بگونه همیشگی و دوامدار
هیولایی که همواره فرزندان خودش را خورده است

بسیاری از دست‌اندرکاران امور سیاسی چنین می‌پندارند که کشورهای جهان سوم فاقد نهاد مندی می‌باشند. نیروهای اجتماعی نیرومند ولی نهادهای سیاسی ضعیف‌اند. در کشورهای یادشده، قوای مقننه و اجراییه، مراجع عمومی و احزاب سیاسی همچنان شکننده و بی‌سازمان برجای مانده‌اند. رشد دولت از تکامل جامعه عقب مانده است. عدم تکامل نهادهای سیاسی در کشورهای جهان سوم سبب می‌گردد کاشت‌تراک سیاسی شهروندان قواعد خاص خود را داشته باشد. عرصه سیاسی، رویای گروه‌های مختلف با قواعد و ضابطه‌های مختلف می‌باشد. یک سازمان سیاسی با خط مشی سیاسی کارش اینست که برای نگهداشتن سازمان اجتماعی و رفع درگیری‌ها و گزینش رهبران با اقتدار چاره‌جویی نماید. این مسأله سبب هرج و مرج و آشوب اجتماعی و سیاسی می‌گردد. فقدان نهادهای سیاسی قدرتمند، سبب می‌گردد که "قواعد مشترک بازی" برای بازیگران تعریف و اجرا نگردد. زمانی که سازمان و نهاد قدرتمند بمنظور کنترل و مهار نیروهای اجتماعی مورد نظر تعریف نگردد، گروه‌ها هر کدام خود، قواعدی برای خویش‌تن تعریف می‌نمایند. یعنی در کشورهای جهان سوم هر گروه قواعد خاص خود را دارد. به همین جهت، رویارویی میان گروه‌های سیاسی عریان می‌باشد. یعنی رقابت افراد، خانواده، گروه‌های مذهبی و نژادی با همدیگر خشونت‌آمیز می‌باشد. وقتی گروه‌های اجتماعی پایبند با اصول مشترک نباشند، میزان خشونت در عرصه اجتماعی و سیاسی بالا می‌گیرد. وجود خشونت بدون شک سبب "بی‌ثباتی سیاسی" می‌گردد.

درس‌آغاز، تذکر این مسأله شایان اهمیت می‌باشد کازمدتی بدینسو، موسیقی کرکننده ترک سرزمین کشور ما و فراخواندن نظامیان امریکایی از افغانستان و عراق، بگونه دوامداری نواخته می‌شود. بسیاری‌ها در داخل کشور و عده‌ای هم در محافل منطقه و جهان با این پرسش مواجه می‌باشند که آیا واقعاً امریکایی‌ها به چنین اقدامی مبادرت خواهند ورزید؟

خوب بخاطر داریم کاداره ترامپ از کاهش نظامیان کشورش در افغانستان و عراق خبر داد. نامبرده اعلام نموده بود که در امتداد دوماه، درگام نخست بتعداد ۲۵۰۰ تن از نظامیان امریکایی در افغانستان باقی مانده و درگام بعدی هم از تعداد مجموعی ۲۵۰۰ تن از نظامیان یادشده، بتعداد ۵۰۰ تنگدار همچنان در افغانستان باقی خواهند ماند. اما همچنان ترامپ وعده سپرده بود که قبل از آغاز سال نو، همه نظامیان کشورش را از افغانستان فرا می‌خواند. از همان آغاز امر، این مسأله قابل فهم بود که اینهمه وعده‌ها صرف روی کاغذ باقی خواهند ماند.

در نتیجه توافق با "طالب"‌ها، امریکایی‌ها الی پایان بهار سال آینده باید سرزمین کشور ما را ترک نمایند. آیا می‌توان نتیجه‌گیری اینچنینی را جدی محسوب نموده و آنرا واقعی پنداشت؟ چنین بنظرمی‌رسد کامریکایی‌ها هیچگاهی و بهیچوجهی کشور ما را ترک نخواهند گفت. در شرایط و اوضاع و احوال کنونی، نظامیان شان را در کشور ما کاهش داده و اما پس از مدتی، بتعداد آنها افزایش بعمل آمده و بحضورشان در اراضی کشور ما همچنان ادا مه خواهند داد. بیشتر از صد پایگاه نظامی امریکایی در سراسر جهان موجود می‌باشد. درواشنگتن، از موجودیت چنین پایگاه‌ها و حضور نظامیان آن کشور در ۱۷۷ کشور جهان خبر می‌دهند. این فراخواندن ۲ هزار تن نظامی از دو کشور مسلمان به چه مفهومی تلقی می‌گردد؟ اما این فقط و فقط و بهیچوجه بگونه ساده و بسیطی بازگوی اصل

کاهش نظامیان امریکایی نبوده و بمفهوم ختم و پایان بخشیدن طولانی ترین جنگ و درگیریهای مسلحانه در تاریخ نمی باشد که می توان آنرا بمثابة بخشی از مجموعه درگیری های مسلحانه ایالات متحده در خاورمیانه محسوب نمود. جنگ و درگیری های مسلحانه در کشور عزیز ما در حدود دودهه تداوم کسب نمود. در اول امر، بیشترین تعداد نظامیان امریکایی (۱۰۰ هزار) در کشور ما اطراق نموده بودند. بلی، در مورد پایان بخشیدن به درگیری های مسلحانه در کشور ما هم از جانب بوش و اوباما و هم از جانب ترامپ داد سخن بعمل آمد، اما نتایج امیدوار کننده ای بدنبال نداشته و فراخواندن همه نظامیان آن کشور از افغانستان اصلن تحقق نیذیرفت. چرا چنین شد؟ ساده ترین و قابل فهم ترین پاسخ این خواهد بود ک آنها نمی خواهند به چنین اقدامی گردن نهند کاین در نوع خود، اشتباهی خواهد بود جبران ناپذیر. ترامپ در نظر داشت تا نظامیان امریکایی موجود در کشور ما را بخانه برگرداند. حتا در این مورد، با وجود عدم رضایت همکارانش در کابل، سند تسلیمی بدون قید و شرط را امضا نموده و بر توافق و تعامل با "طالب"ها نیز صحنه گذاشت. ابراز نظرهایی نیز صورت گرفته ک اقدامات و اجرای تصمیم های نیمه جان مخالفان مسلح، هم اسباب خشم ایالات متحده و ناتو را فراهم آورده و هم سبب تلفات گسترده افراد غیر نظامی و ملکی گردیده است. رهبر اکثریت جمهوری خواهان در مجلس سنای ایالات متحده با ترکیبی از کلمات، بویژه در ایام باقیمانده ریاست جمهوری ترامپ، با ترکیبی از کلمات گفته بود که آنها بمنظور متقاعد نمودن متحدان و حفظ مناسبات با آنها حاضر و آماده اند تا از روی جنازه های کشته شده ها بسادگی عبور نمایند.

در اعلامیه وزارت دفاع ایالات متحده آمده است که خروج و فراخواندن فوری نظامیان امریکایی از افغانستان، باصل و بنیاد موجود میان متحدان آن کشور آسیب وارد نموده و اسباب رضایت مدعیان سوگند خورده آنها را فراهم خواهد نمود. منشی عمومی ناتو با اظهار نارضایتی از چنین اقدامی، یادآور شد که با فراخواندن همه نظامیان امریکایی از افغانستان، ممکن سرزمین کشوریادشده مجدداً به محل امنی برای تریبه تروریست ها مبدل گردد و از آن بمثابة سکوی پرتاب دهشت افگنان به کشورها و مناطق مورد نظر استفاده بعمل آید. این مهم پنداشته موجودیت نظامیان خارجی در کشور ما بنحوی از انحاء دلیلی نمی شود که د حدود دودهه، اصل حضور بمنظور جلوگیری از حملات جنگجویان دیروزی و تروریست های امروزی از سرزمین کشور ما عنوان گردید. این، بگمان اغلب به دلیل پناه گرفتن بن لادن، متهم تنظیم کننده حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ که در کوهپایه های افغانستان مخفی گردیده بود، ایالات متحده مخالف اصول پذیرفته شده میان متحدان غربی که در صورت حمله بر یک کشور اتحاده، سایر کشورهای عضو، در مورد باید با اقدام دستجمعی متوسل گردند، به تنهایی و خود سرانه و بدون مشوره با متحدینش بسرزمین کشور ما لشکرکشی نموده و اکنون هم بدون مشوره و یا حصول توا فقی، به تنهایی، اراضی کشور ما را ترک مینمایند. الی تاریخ ۲۰ ماه جنوری سالروان که تاریخ فراخواندن همه نظامیان امریکایی از افغانستان تعیین گردیده، ممکن وضعیت تغییر نموده و حوادث و رویدادهای دیگری در راه باشد. این بمفهوم پاکداشتن و عبور از روی اجساد کشته شده های جنگ محسوب می گردد. چنین عدم پاسخگویی ها، چنانچه به فرار امریکایی ها از ویتنام منجر گردید، همانگونه و عین حالت در کشور ما نیز برای آنها اتفاق افتد. تعداد بیشماری از نظامیان امریکایی در ویتنام از زندگی ساقط گردیدند. اما کلاه آبی ها، مدت ها قبل از سقوط سایگون فراخوانده شدند. جنگ یادشده در ویتنام، بتعداد ۵۰ هزار از نظامیان امریکایی و تعداد بیشماری از ویتنامی ها را بخاک و خون افگند. (اما تاکنون رقم قطعی قربانیان جنگ ویتنام مشخص نگردیده است).

تصمیم گرفته شده بود تا الی ماه جنوری سالروان تعداد مجموعی نظامیان امریکایی به ۲۵۰۰ تن تقلیل حاصل نموده و اما الی آواخر خزان سال، باید بگونه مجموعی، سرزمین کشور ما را ترک نمایند. اما عده ای از افسران بمنظور تداوم آموزش های حربی و بمثابة آموزگاران که اکنون تعداد آنها به چند صد تن تخمین میگردد، همچنان بموجودیت شان در کشور ما ادامه خواهند داد. اگر اداره جدید و اشنگتن برهبری جو بایدن، مدت زمان تعیین شده بمنظور فراخواندن نظامیان کشورش از افغانستان را ملغی اعلام نماید، به یقین کامل که "طالب"ها، بیش از پیش تشجیع گردیده و با اقدامات تخریبکارانه ای متوسل خواهند گردید، کاین بمفهوم تداوم درگیری های مسلحانه در کشور ما محسوب می گردد.

در این مورد نه تنها بار ملامت و مسؤلیت بر شانه های ترامپ سنگینی خواهد نمود، بلکه چنین بارگرانی بر عهده همه افرادی خواهد بود که خواهان تداوم جنگ و ادامه درگیری های مسلحانه در کشور ما بوده و اصلن بزندگی افغان ها و امریکایی ها ارزشی قابل نبوده و در پی تداوم جنگ و درگیری های مسلحانه و روشن نگهداشتن آتش جنگ در دامنه ها، کوهپایه ها، قریه ها، قصبات و شهرهای کشور ما می باشند. بایست اعتراف نمود که در شرا

یط و وضعیت کنونی، نه خارجیها و نه شهروندان کشور ما اصلن خواستار تداوم درگیری های مسلح کنونی نمی باشند.

نظامیان امریکایی آرزومندند تا هرچه زودتر بخانه های شان برگردند. عده ای در صدد آنند تا خارجی ها را از سرزمین کشور ما به بیرون پرتاب نمایند و اما آنهایی که یعنی گروه سومی که هم خواستار تداوم و ادامه خونریزی در کشور ما می باشند، نه با امریکا و نه با افغانستان از هیچگونه ارتباطی برخوردار نمی باشند. مدتی قبل رئیس جمهور کشور، پیشنهاد آغاز و تداوم دوربعدی مذاکرات و گفتگوهای میان افغانی را در داخل افغانستان مطرح نمود. چنین تصور می گردید که طرح یادشده مورد پذیرش "طالب" ها قرار گیرد، اما چنین نشد و قرار بر آن شد تا بگونه قبلی، مذاکرات و گفتگوهای یادشده همچنان در محل قبلی (قطر)، بکارش ادامه دهد. از جمله پرسش هایی که ذهن شهروندان کشور را بخود مشغول می نماید، از جمله یکی هم این می باشد که کدام دولت ها علاقمند نفوذ و تأثیرگذاری در کشور ما بویژه پس از فراخواندن نظامیان امریکایی به خانه های شان می باشند؟

نخست از همه، این مسأله قابل تذکر پنداشته می شود که توافق و تعامل حاصله ایالات متحده با "طالب" ها، کاربرد دوگانه دارد. گروهایی موجود می باشند که شرایط و ضابطه های موجود را اصلن رعایت نمی نمایند، چنین معلوم می شود که در اینمورد نه توافق، بلکه معامله ای در میان بوده و وضعیت بگونه قبلی، همچنان تداوم می یابد. نباید فراموش نمود که در مورد اسرای جنگی نیز نکته های قابل دقتی موجود می باشد. در مورد یادشده، تذکرات اینچنینی نیز بعمل می آید که "طالب" ها بررهایی آنعده از جنگجویان شان که متهم به سازماندهی و یا انجام حمله بر تأسیسات نظامی امریکایی ها می باشند، تأکید بعمل می آورند. اما در وضعیت کنونی، موضوع متذکره، اسباب وزمینه های اذیت امریکایی ها را ببار می آورد. در وضعیتی که میان گروه ها و قشرهای سیاسی در داخل کشور، وحدت و یگانگی چه در طرز دید و نوع نگاه به قضایای موجود و چه در مورد موضعگیری ها بمفهوم وسیع کلمه موجود نبوده و عدم موجودیت یکپارچگی میان قشرهای سیاسی کشور بیداد نموده و گروه ها و قشرهای یادشده بسیار پراکنده می باشند. در چنین وضعیتی و در شرایط اینچنینی، کشور از بکستان تلاش می ورزد تا قشر سیاسی اش را با تمامی دم و دستگاهش، بمثابه بازیگری مطرح در حل و فصل قضایای کشور ما معرفی نماید. همچنان از فعال شدن و تلاش های ترکیه در منطقه نیز باید یادآوری بعمل آید. اردوغان، خودش را بمثابه رهبر جهان اسلام می پندارد، کاین بنحوی از جاه طلبی های نامبرده نمایندگی می نماید. در چنین وضعیتی، اقتصاد و نیروی کار که بگونه واقعی کلمه در اختیار شرکت های ترک قرار گرفت، پرسش هایی را در مورد یادشده نه تنها در داخل آنکشور بلکه در مجموعه منطقه بوجود آورد که هیچ فردی انتظار آنرا نداشت.

در دنباله بحث کنونی باید افزود ک انجام مذاکرات و دید و بازدیدهای جانب چین با "طالب" ها نیز مورد علاقمندی بسیاری از محافل مختلف در کشور ما قرار گرفت. چین در کشور ما حضور فعال دارد. سهمگیری چین در اقتصاد کشور ما بویژه، سرمایه گذاری در عرصه استخراج مس در کشور، از اهمیت قابل توجهی برخوردار می باشد. برگردیم به موضعگیری های اداره و اشنگتن، بویژه پس از انتخابات پسین ریاست جمهوری ایالات متحده که آیا جوابیدن بمنظور تغییر توازن قوا در کشور ما با اقدامی متوسل خواهد گردید؟

با جابجایی رهبری سیاسی در واشنگتن بر رهبری جوابیدن که جدیدن بمثابه سکان دارکشورش انتخاب گردید، باید پرسشی را باین شرح مطرح نمود که آیا رئیس جمهور جدید منتخب شده ایالات متحده در صدد بازنگری سیاست ترامپ بوده و در پی آن خواهد شد تا موقعیت "جهان آزاد" را دوباره به ایالات متحده بازگرداند و آیا چنین پیش خواهد آمد که مراتب قدرت در واشنگتن، مجبور گردد تا مجددن با استقرار بیشتر نظامیان امریکایی، بیش از هر زمان دیگر در باتلاق درگیری های مسلحانه و جنگی در کشور ما و بیش از پیش گرفتار شود؟

چنین زمره هایی نیز موجود میباشد که حفظ همبستگی بین القاروی برای باین مهمتر از معامله دوحه محسوب می گردد. نکته قابل ذکر اینست که مواضع ناتو و واشنگتن، مجددن از هماهنگی های بیشتری برخوردار خواهد گردید. چنانچه ادعا می گردد که مواضع ناتو واضح و روشن می باشد، یعنی دفاع و پشتیبانی از قوت های مسلح و تقویت نیروهای امنیتی افغان بمثابه مهمترین و عمده ترین طرح ائتلاف در کشور و همچنان و ادار نمودن "طالب" ها بانجام عملی تعهدات شان بویژه در امر کاهش خشونت در کشور در شرایط و وضعیت حاضر، آخرین نیاز، ممکن انجام اقدامات قطعی در مهار خشونت ها بحساب آید.

باید نه مطابق نوع موضعگیری ها و برنامه های ترامپ، بلکه ممکن مطابق ایده و تصویری که در نظر دارد،

آرزومند است تا مسیر کنونی و موجود در کشور ما را متحول نموده و فراخواندن نظامیان کشورش از افغانستان را به تعویق اندازد. سرانجام، آیا "رهبر جهان آزاد" متحدانش را رهأ نموده و در نهایت امر، پیروزی "طالب"ها را با سرافکندگی تأیید خواهد نمود؟

بگمان غالب که بایدن از فراخواندن نظامیان کشورش از افغانستان امتناع نخواهد ورزید. اما نامبرده در نظر دارد که با گردن افراشته سرزمین کشور ما را ترک نماید. بدین ترتیب، شیوه تطبیق و چگونگی اجندای برنامه ترامپ دستخوش تغییراتی خواهد گردید. درگام نخست، از جانب ایالات متحده اقدامات سختگیرانه تری بمنظور انجام تعهدات "طالب"ها و اجرای عملی موارد و مواد به توافق رسیده در تعامل دوحه مطرح بحث قرار خواهد گرفت. ولی بهر حال، سیاست بایدن مانند سیاست ترامپ، بگونه طبقه بندی شده ارائه می گردد. اما باید متذکر گردید که پشتیبانی و حمایت بیشتر از قوت های مسلح افغان، نه تنها شامل حضور و موجودیت نظامیان امریکایی، بلکه ارائه کمک ها و مساعدت های مالی را نیز در دستور دستور کار قرار می دهد.

اما رفع تقاضاهای اخیر دولت افغانستان توسط ایالات متحده، مشروط به مبارزه علیه فساد و انجام اصلاحات دموکراتیک در شیوه حکومتداری گردیده است.

رئیس جمهور غنی که در تبریکی جو بایدن به مناسبت پیروزی در انتخابات پشین ریاست جمهوری ایالات متحده، پیشقدم شد، با کمال میل پذیرفت که مطابق سنن موجود در مجموعه سیاست های شرقی، موافق بودن با امری، بمفهوم اجرا نمودن عملی آن نبوده و بگمان غالب که هیچ کسی، اصلن انتظار تغییرات عمده و مهمی را از تیم غنی نداشته و رهبری کنونی و اشنگتن، برای کابل از ارجحیت برخوردار می باشد.

چنین اظهار نظرهایی نیز موجود می باشد که شکست ترامپ در نوع خود، ممکن بنفع کابل تمام شود. رهبری جدید و اشنگتن اصلن، همراه با ناتو، مخالف پیروزی و موفقیت "طالب"ها می باشند. حاکمیت سیاسی کشور، بر این واقعیت حساب باز نموده است که پس از این، و اشنگتن در امر موضعگیری در قبال موقف حاکمیت سیاسی کشور ما، دقت بیشتری خواهد نمود.

پیشنهاد و طرح ترامپ در مورد فراخواندن نظامیان امریکایی از افغانستان را "طالب"ها بمثابه تسلیمی بدون قید و شرط امریکایی ها می پندارند.

ممکن بمنظور انجام مبارزه مؤثر علیه تروریسم و بنیادگرایی، اداره و اشنگتن در مورد قطع کمک و پشتیبانی از مخالفان مسلح در کشور ما، فشار بیشتری بر پاکستان وارد نماید. علاوه بر این، بحران حاد اجتماعی و سیاسی در پاکستان، اسلام آباد را بیش از پیش خوش معامله تر خواهد نمود.

از جانب دیگر، بایدن از هیچگونه ستراتیژی منظمی در مورد کشور ما برخوردار نمی باشد.

خروج نظامیان ایالات متحده از کشور ما، آنهم با گردن افراشته، فقط و فقط با وارد نمودن ضربات اساسی بر "طالب"ها امکان پذیر خواهد بود. اما امریکایی ها تاکنون به چنین امری دست نیافته اند.

از جانب دیگر، در پنتاگون از شرایط فراخواندن نظامیان امریکایی بکشورشان سخن گفته شده و یاد آوری بعمل آمده که مطابق اظهارات ترامپ مبنی بر خروج کامل نظامیان کشورش از افغانستان، بانجام اقدامات مناسبی مبادرت خواهند ورزید. بگفته آنها، اقدامات اینچنینی در حل و فصل قضایای کنونی در افغانستان ممد واقع خواهد گردید.

همچنان یکن از جنرال های امریکایی یادآور شد که در حال حاضر از هیچگونه پیش شرطی بمنظور خروج نظامیان میان یاد شده از اراضی افغانستان در توافقنامه تذکر بعمل نیامده است. نامبرده اضافه نمود که در این اواخر، در سطح خشونت ها کاهش قابل ملاحظه ای بنظر میرسد. مطابق ادعای نامبرده، ایالات متحده در نظر دارد تا درگیری ها و نبردهای مسلحانه و بمفهوم وسیع کلمه، جنگ در سرزمین افغان ها را بگونه "آگاهانه و مسؤلانه" به پایان رساند. یکی آرزومندی های نیک و سرهم بندی کلمات و جملات زیبا و دلنشین است، دیگری هم گنه قضایا و نحوه اجرا و چگونگی عملکردها در زمینه مورد نظر. دیده شود که مانند گذشته ها، به فاصله حرف و عمل افزوده شده و یا نوع کردار آنها با گفته های نغز آنها مطابقت و همخوانی دارد. نباید فراموش خاطر ما شود که در اینجا سخن از اصل خروج نظامیان امریکایی در شرایطی از افغانستان مطرح بحث میباشد که با چنین خروجی، منافع حیاتی ایالات متحده در کشور ما حفظ گردد. نامبرده همچنان ادامه داده افزود که خروج و فراخواندن نظامیان امریکایی، شرایط را بمنظور تداوم مذاکرات میان افغانی بیش از پیش مساعد و مهیا خواهد نمود.

یکشنبه ۱۴ ماه جدی سال ۱۳۹۹ خورشیدی